

بررسی و ارزیابی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودکشی بر اساس نظریات جرم شناختی

میثم عظیمی^۱

از صفحه ۱۳ تا ۴۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۰

چکیده

این پژوهش در راستای تبیین و ارزیابی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودکشی بر اساس نظریات جرم شناختی انجام شده است. از این رو سعی شده است با بهره‌گیری از نظریه علت‌شناسی جنایی و نظریه پویایی جنایی به تبیین علت‌های مؤثر در وقوع این پدیده پرداخته شود. پژوهش از نظر هدف، کاربردی، و از نظر نوع گردآوری داده‌ها توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان و نخبگان ناجا در موضوع پژوهش است که حجم نمونه مورد نیاز بر اساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر بود که به صورت تصادفی انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) بود. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس نظریات جرم شناختی، ویژگی‌های فردی عرضی با میانگین ۲/۸۵ بیشترین تأثیر را در بروز خودکشی و کمترین مربوط به ویژگی‌های فردی ذاتی با میانگین ۲/۰۱ گزارش شده است. از میان گویه‌های ویژگی‌های فردی عرضی گویه "حس کنجکاوی و ماجراجویی نسبت به اسلحه" با بارعاملی ۰,۷ بیشترین تأثیر را بر وقوع خودکشی دارد. گویه "تحت تأثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت" با بار عاملی ۰,۷۲ از نظر اثرگذاری در بروز خودکشی در رتبه دوم قرار دارد.

واژگان کلیدی

خودکشی، جرم شناسی خودکشی، علت شناسی خودکشی، تحلیل جرم خودکشی، طبقه‌بندی خودکشی

۱. مقدمه و بیان مسئله

حق حیات و زنده ماندن یکی از حقوق الهی و طبیعی بشر به شمار می‌رود؛ به همین دلیل حفاظت و اهتمام بر رعایت این حق الهی، تکلیف افراد و جامعه است. جوامع امروزی با آسیبها و چالشهای متعددی در مورد این موضوع رو به رو هستند؛ از جمله این انحرافات و آسیبهای اجتماعی مهم می‌توان به پدیده خودکشی و خودزنی اشاره کرد. این آسیبها ممکن است در میان همه گروه‌های اجتماعی رخ دهد.

زمانی که از خودکشی یا خودزنی سخن به میان می‌آید، خود را در برابر مسئله‌ای پیچیده و مرتبط با علوم مختلفی از جمله پزشکی، روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌یابیم. از این رو سبب‌شناسی و علت‌شناسی این پدیده نیز سخت و دشوار خواهد بود. امروزه سیاستگذاران کشورها با بهره‌گیری از دانش جرم‌شناسی برای دست یافتن به راهکارهای کاهش و کنترل آسیبها و انحرافات اجتماعی برآمده‌اند.

دانش جرم‌شناسی، افزون بر رفتارهایی که اصطلاحاً جرم تلقی می‌شود، به بررسی ناهنجاریها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی نیز می‌پردازد و از این رهگذر به بررسی علتها و انگیزه‌های وقوع جرم و انحرافات و واکاوی شخصیت مرتکب توجه دارد و از راه مبارزه با علتها و عوامل جرم یا انحراف در درمان بزهکار و منحرف و پیشگیری از وقوع این پدیده‌ها می‌کوشد.

عمده مطالعات جرم‌شناسی حاکی است که سه رویکرد اساسی زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی در ارتباط با عوامل مؤثر در بروز خودکشی و خودزنی وجود دارد. رویکردهای زیست‌شناختی گرایشهای فطری و ذاتی، رویکردهای روانشناختی ویژگیهای روانی و شخصیتی و رویکردهای جامعه‌شناختی ساختارها و پدیده‌های اجتماعی را در بروز این گونه رفتارهای انحرافی مؤثر می‌داند. بر اساس گزارشهای رسمی سازمان بهداشت جهانی هر ساله حدود ۵۰۰ هزار نفر در جهان از طریق خودکشی به زندگی خود پایان می‌دهند و این در حالی است که برآورد واقعی خودکشی ۱/۲ میلیون نفر در سال است. پیامدهای منفی این مسئله در بعد اجتماعی، فرهنگی و همچنین اقتصادی یکی از موانع مهم توسعه و پیشرفت و تعالی جامعه به شمار می‌رود و به همین دلیل شناخت هر چه بیشتر عوامل مؤثر بر وقوع این پدیده ضرورتی مهم و حیاتی است.

بر اساس یافته‌های دانش جرم‌شناسی در کنار توسل به اقدامات کیفری به عنوان آخرین راهکار، توجه به پیشگیری از وقوع انحرافات و ناهنجاریها در کاهش و کنترل آسیبهای اجتماعی تأثیر بسزایی دارد. از این رو اهتمام به پیشگیری از وقوع ناهنجاریها و کجرویها به عنوان مهمترین راهبرد سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان کلان اجتماعی به کار گرفته می‌شود. راهبرد پیشگیری از وقوع انحرافات دو سازوکار عمده دارد: یکی سازوکار پیشگیری اجتماعی و دیگری سازوکار پیشگیری وضعی. این دو سازوکار هر یک در واقع بیانگر بخشی از جریان تحقق بزه یا انحراف است؛ به عبارت دیگر وقوع ناهنجاری را می‌توان به دو مقطع تقسیم کرد که هر یک از انواع پیشگیری ناظر به مرحله‌ای خاص است. در این مقاله تلاش می‌شود ضمن واکاوی عوامل درون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودکشی به این سؤال پاسخ دهد که: "مهمترین عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی در میان سربازان وظیفه چیست و میزان تأثیرگذاری آنها چگونه است؟"

۲. هدف پژوهش

واکاوی و ارزیابی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز پدیده خودکشی کارکنان وظیفه بر اساس یافته‌ها و نظریات جرم‌شناختی

۳. سؤال پژوهش

مهمترین عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی در سربازان وظیفه چیست و میزان تأثیرگذاری آنها چگونه است؟

۴. مروری بر مفاهیم و مبانی پژوهش

از لحاظ تاریخی باید دانش جرم‌شناسی را به مکتب تحقیقی نسبت داد. «جرم‌شناسی معادل کلمه "Criminologia" است که رافائل گاروفالو^۱ قاضی، و یکی از بنیانگذاران مکتب تحقیقی ایتالیایی مبدع آن است که کتابی به همین نام به سال ۱۸۸۵ منتشر کرده است. محتوای آن علم به علت‌های جرم یا سبب‌شناسی جنایی^۲ می‌پردازد که از طبیعت

1. Rafael Garofalo

2. Etiologie Criminelle

جرم و نظریه تبهکاری و حالت خطرناکی تبهکار بحث می‌کند؛ بدین ترتیب، شناخت عوامل جرم‌زا، پیشگیری از وقوع جرائم و نا بهنجاریها، گشودن گره‌های کور مشکلات اجتماعی، گندزدایی محیط زیست انسانی و بهسازی آن، تشخیص حالت خطرناکی و اصلاح اخلاقی و درمان تن و روان بزهکاران و پرورش دوباره آنان به منظور آشتی دوباره با جامعه، وجهه همت این دانش ترکیبی است» (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۹۴).

«عمده تحقیقات و دیدگاه‌ها درباره علت‌های جرم و چرایی جرم تا اواخر قرن نوزدهم عمدتاً صبغه پزشکی و زیست‌شناختی و روانشناسی داشته است. جرم‌شناسی در بستر انسانشناسی جنایی متولد شد. پدر انسانشناسی جنایی، دکتر لمبروزو^۱ بود. او استاد پزشکی قانونی و همزمان فردی نظامی بود. پس از لمبروزو روانشناسی چند هم در چارچوب علوم پزشکی در پی تحلیل علت‌های جرم بودند. پس از انتشار کتاب لمبروزو تحت عنوان انسان بزهکار، دانشجویان وی از جمله فری^۲ در جهت تعدیل نگرش پزشکی، اهمیت مسائل اجتماعی را مطرح کردند. انریکو فری در کتاب خود با نام جامعه‌شناسی جنایی ضمن توسعه طبقه‌بندی دوگانه مجرمان در طبقه‌بندی پنجانهای، سعی کرد نشان دهد که بزهکاری نتیجه کمبودهای جسمی و روانی صرف نیست. به دنبال دیدگاه‌های فری، گاروفالو دیدگاه‌های دکتر لمبروزو و دیدگاه‌های فری را که به ترتیب زیر عنوان انسانشناسی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی مطرح شده بود در کتابی جمع کرد و مجموعه این رویکردهای علمی گوناگون در مورد جرم را زیر عنوان «جرم‌شناسی» در سال ۱۸۸۵ منتشر کرد. پس عنوان جرم‌شناسی عنوانی کلی است که زیر مجموعه آن انسانشناسی جنایی، روانشناسی جنایی، روانپزشکی جنایی و جامعه‌شناسی جنایی است. در واقع جرم‌شناسی مجموعه‌ای از علوم مختلف درباره جرم است. قلمروی مطالعات جرم‌شناسی به روانشناسی، روانپزشکی، جامعه‌شناسی، تاریخ، پزشکی، پلیس علمی و حقوق کیفری مربوط می‌شود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ص ۲).

علوم جرم‌شناختی نظیر روانشناسی جنایی یا زیست‌شناسی جنایی یا جامعه‌شناسی جنایی در این دوران شکل گرفت. «گرایشهای روانشناختی - جامعه‌شناختی عمدتاً بر دیدگاه‌های امیل دورکیم و بویژه نظریه بی‌هنجاری یا آنومی وی مبتنی است که بر

1. Lombroso

2. Ferri

جامعه‌شناسان امریکایی در مطالعاتشان بر جرم تأثیر بسزایی گذاشته است به طوری که در دهه ۱۹۴۰ نظریه معاشرتهای ترجیحی یا افتراقی ادوین ساترلند یا نظریه تعارض فرهنگهای تورستن سلین یا نظریه خرده فرهنگهای مجرمانه و بوم‌شناسی جنایی که رابطه فضای محل زیست با بزهکاری را تبیین می‌کند در دیدگاه‌های دورکیم ریشه دارد» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۴، صص ۸۸۱-۸۸۲). بتدریج علاوه بر عوامل وراثت و ژنتیک مباحث مربوط به موقعیت فرد تا قبل از بزهکاری و شخصیت بزهکار در زمان ارتکاب جرم و چگونگی ترکیب این دو و پیدایش فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه در شخصیت جنایی فرد نیز مطرح شد. محور اصلی این نظریات که از آنها به جرم‌شناسی پویایی جنایی یاد می‌شود و در دوره ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ طرفداران بسیار زیادی داشت برونریزی یا به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه است.

مهمترین چیزی که در بررسی شخصیت مجرمانه افراد به عنوان شخصیت جنایی می‌توان به آن توجه کرد در واقع باورهای غلطی است که در نهاد شخص مجرم نهفته شده است که باعث می‌شود وی بر اساس لذت‌جویی و خواسته‌هایی که برگرفته از نهاد اوست، میل به ارتکاب جرم پیدا کند و انگیزه‌هایی را که از نظر مادی برای خود ترسیم کرده است به مرحله ظهور و بروز برساند؛ به عبارت دیگر، شخص بزهکار مکرر همه چیز را بر اساس معیار شخصی خودش بررسی می‌کند و در محاسباتش افراد دیگر را لحاظ نمی‌کند. معیار اخلاقی اوست و خود او است که به عمل مجرمانه مشروعیت می‌دهد. قضاوت دیگران یا قانون در ملاحظات او دخیل نیست. مجرم بارها، نوعی بی‌ثباتی در رفتار و منش خود دارد و نوعی بی‌سازمانی در او دیده می‌شود به‌گونه‌ای که چنین شخصی ناتوان از پیش‌بینی مجازات برای عمل ارتكابی خود است؛ پرخاشگر، بی‌ترحم و نسبت به حالات بزه دیده بی‌اعتنا است (مصدق، ۱۳۸۵، ص ۵۸).

۵. خودکشی

خودکشی در لغت به معنی "خود را به وسیله‌ای کشتن، انتحار، کار زیاد کردن، کوشش بسیار کردن" آمده است (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵۳). در گذشته خودکشی جرم علیه خود و جامعه و به طور کلی گناه به شمار می‌رفت.

کسانی که خود را می‌کشتند از تشریفات کفن و دفن مذهبی محروم می‌شدند (فولادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲).

اولین نگرش علمی به خودکشی در سال ۱۷۳۷ به وسیله دی فانتن^۱ صورت گرفته است. وی برای اولین بار کلمه Suicide را در فرانسه به کار برد که در سال ۱۷۶۲ به وسیله آکادمی علوم فرانسه پذیرفته شد. خودکشی از ریشه لاتین Sui به معنای «خود» و cide به معنای «کشتن» است و اصطلاحاً «خود را کشتن» یا «خودکشی» معنا می‌دهد (همان، ۱۲). ارسطو، خودکشی را «عملی می‌داند که شخصی برای معدوم کردن خودش انجام می‌دهد و به منظور فداکاری نیست» (اسلامی نسب، ۱۳۷۱، ص ۷۴).

امیل دورکیم^۲ (۱۸۵۸-۱۹۱۷) در اثر معروف خود به نام خودکشی آن را پدیده‌ای اجتماعی به شمار می‌آورد و چنین تعریف می‌کند: «هر نوع مرگی است که نتیجه مستقیم یا غیرمستقیم عمل مثبت یا منفی خود قربانی است که شخصاً می‌دانسته که باید به همین نتیجه برسد». کردار مثبت مثل اینکه انسان یک گلوله در شقیقه خویش خالی کند و کردار منفی مثل اینکه انسان خانه‌ای را که در حال سوختن است، ترک نکند یا آن قدر از خوردن خودداری کند که بمیرد. هم‌چنین می‌توان به تعریف دشه اشاره کرد که می‌گوید: «اقدامی معمولاً از روی آگاهی برای سر به نیست کردن خود به آن ترتیب که مرگ هدف یا وسیله باشد» (رئیس دانا، ۱۳۸۰: ۱۷۲).

اشنایدمن^۳، استاد روانشناسی و مرگ‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا و لس‌آنجلس و بنیانگذار انجمن خودکشی‌شناسی بر خلاف نظر برخی، که خودکشی را ناآگاهانه و بدون برنامه و هدف می‌دانند، معتقد است: «خودکشی عمل آگاهانه نابودسازی به دست خود است که در بهترین مفهوم می‌توان آن را ناراحتی چند بعدی در انسان نیازمندی دانست که برای مشکلی مشخص، بهترین راه حل فرض شده است. خودکشی عمل اتفاقی و بی‌معنی نیست؛ بلکه راهی برای رهایی از مسئله، رنج یا بحران است که بدون استثنا، شدیداً شخص را آزار می‌دهد. وی در بیان و توضیح شخصیت افرادی که به خودکشی دست می‌زنند، می‌نویسد: معمولاً کسانی که به خودکشی دست می‌زنند، کسانی هستند که نمی‌توانند

1. Difanten

2. Emile Durkheim

3. Ashnaidman

بخوبی مشکلاتشان را حل کنند. اینها معمولاً چیزها را فقط به صورت سیاه و سفید، خوب یا بد، صحیح یا غلط می‌بینند و بس؛ لذا در درمان آنها باید کوشید و کمکشان کرد تا بتوانند «خاکستری» را نیز ببینند» (اشنایدمن، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

آشیل دلماس^۱ نیز خودکشی را «عملی می‌داند که به وسیله شخص برای معدوم ساختن خود انجام می‌دهد در حالی که اختیار مرگ و زندگی در حیطه قدرت اوست و از لحاظ اخلاقی به انجام این عمل موظف نمی‌باشد» (اسلامی نسب، ۱۳۷۱، ص ۷۳ و ۷۴). ژان باچلر^۲ در کتاب خودکشی خود در مورد خودکشی گریزگرایانه می‌نویسد که «انسان با خودکشی کردن سعی می‌کند از رو به رو شدن با اوضاع غیر قابل تحمل زندگی فرار کند»؛ به عبارت دیگر وی خودکشی را خروج از موقعیت نامساعد و دشوار زندگی می‌داند (اشنایدمن، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸).

پس می‌توان نتیجه گرفت که خودکشی عملی است آگاهانه و کاملاً ارادی که فرد برای پایان دادن به زندگی خویش انجام می‌دهد.

خودکشی معمولاً برای اهداف ذیل ارتکاب می‌یابد:

- نوعی درخواست و تقاضای کمک و حمایت
- اعلام بلای ناگهانی و حادثه مصیبت‌بار و فاجعه‌انگیز
- تهدید و اخطار به شخص ثالث
- فرار و گریز به منظور پرهیز از موقعیت دشوار و غیر قابل تحمل (فرد، خود را موجب شکست خویش می‌داند؛ لذا گزینه تهاجم را علیه خودش منحرف می‌سازد) (اسلامی نسب، ۱۳۷۱، ص ۷۷).

۵-۱. تحلیل جرم‌شناختی پدیده خودکشی از دید آمار

مطالعه آمار در مورد هر پدیده و واکاوی دقیق این آمارها به جرم‌شناسان در تحلیل پدیده‌های مورد مطالعه کمک قابل توجهی می‌کند؛ چه اینکه برخی در زمینه علت‌های ارتکاب خودزنی میان کارکنان وظیفه معتقدند که: «خودزنی با سن، جنس، دین، وضعیت تأهل، شغل، آب و هوا و سلامت روانی ارتباط کامل دارد» (سید احمدیان و باخدا، ۱۳۹۳، ص ۹۲).

1. Ashel Delmas

2. Jan Bachler

هر سال حدود پنج میلیون نفر در جهان به خودکشی اقدام می‌کنند که از این عده، پانصد هزار نفر جان خود را از دست می‌دهند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۹ و ۱۵۲). سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۹ میزان خودکشی را در برخی کشورهای جهان اعلام کرد که بعضی از آنها عبارت است از: استرالیا ۱۳/۱٪، ژاپن ۲۵/۳٪، سوئیس ۱۸/۲٪، فرانسه ۱۷/۷٪، امریکا ۱۰/۸٪، هلند ۹/۶٪، اسپانیا ۸/۲٪، انگلستان ۷/۵٪ و ایتالیا ۷/۲٪ (همان، ص ۱۶۲-۱۶۳).

البته باید توجه کرد که رقم سیاه در این آمار به دلایل گوناگونی وجود دارد. اغلب تشخیص خودکشی از حادثه یا توطئه بسیار دشوار، و هر امر ذهنی و به معیارهای شخص تشخیص دهنده مربوط است. در کشورهای کاتولیک و مسلمان، خودکشی فرد برای خانواده‌اش موجب ننگ و رسوایی است و به همین دلیل سعی می‌شود که از اعلام آن پرهیز کنند (کی نیا، ۱۳۸۴، ص ۴۵۳ و ۴۵۲).

۲-۵. ارتباط نوع زندگی با ارتکاب خودکشی

به طور کلی باید گفت در گذشته و بویژه در طول قرن نوزدهم و بخشی از قرن بیستم، آمارها نشان می‌داد که ساکنان شهرها بیشتر از روستاییان به خودکشی اقدام می‌کنند. علت این امر را می‌توان در ویژگیهای زندگی شهری دانست؛ اما در سالهای اخیر که تفاوتهای زندگی شهری و روستایی از بین رفته است و وسایل ارتباط جمعی و سایر ابزار و امکانات، فرهنگ شهری را به مناطق روستایی انتقال داده‌اند، میزان خودکشی در برخی مناطق روستایی از مناطق شهری بیشتر شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴ و ۱۶۶).

۳-۵. ارتباط آب و هوا با ارتکاب خودکشی

پژوهشگران معتقدند خودکشی با آب و هوا نسبت مستقیمی ندارد در حالی که در غالب کشورها تعداد خودکشی‌ها تابع آهنگ مخصوصی است که با تغییر فصول همراه است و میزان آن در فصل بهار و اولین ماه‌های تابستان بیشتر است (نوربخش و معنوی، ۱۳۵۶، ص ۸۶). شاید بتوان گفت «قانون حرارتی بزهداری» که توسط «آدولف کتله» (۱۸۷۴-۱۷۹۶ میلادی) دانشمند بلژیکی و نویسنده کتاب «فیزیک اجتماعی» مطرح شد

در مورد خودکشی هم مصداق داشته باشد. براساس این قانون، فصول و مناطق از نظر حرارتی و دما در ارتکاب بزه مؤثر است؛ به عنوان مثال، جرائم علیه اشخاص در مناطق جنوبی و در فصول گرم، غالب بر دیگر جرائم است و جرائم علیه اموال در مناطق شمالی و فصول سرد، بیشتر دیده می‌شود (نوربها، ۱۳۸۶، ص ۵۱).

۴-۵. ارتباط کیفیت زندگی با ارتکاب خودکشی

با اینکه نسبت علی (رابطه علیت) بین عوامل اقتصادی و خودکشی به طور واضح وجود ندارد، باید گفت تعداد خودکشی در دوران رفاه و توانگری کاهش می‌یابد و در زمان بحران اقتصادی افزایش پیدا می‌کند. هم‌چنین رابطه بین انتحار و موقعیت‌های اجتماعی شخصی چندان روشن نیست و در این زمینه آمارهای متناقض و مبهمی وجود دارد. مع‌الوصف این واقعیت است که در طبقات پایین اقتصادی و اجتماعی تعداد خودکشی نسبتاً کم است؛ ولی در طبقات بالای اجتماعی بیشتر دیده می‌شود. البته بعد از ۶۵ سالگی، تعداد خودکشی طبقات پایین اجتماع از طبقات بالا بیشتر می‌گردد. نکته مهم این است که تعداد خودکشی‌ها در زمان جنگ کاهش می‌یابد و این امر به طور واضح، پدیده‌ای جهانی است. تمام کشورهایی که در جنگ (به‌گونه‌ای) شرکت داشته‌اند، این مطلب را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ حتی در بعضی کشورهای بیطرف هم این امر ثابت شده است (نوربخش و معنوی، ۱۳۵۶، ص ۸۸).

۴-۵. ارتباط سن، جنسیت، نژاد و دین با ارتکاب خودکشی

یافته‌های آماری نشان می‌دهد که هم‌اکنون در جهان بیشترین اندازه اقدام به خودزنی بین گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۰ سال اتفاق می‌افتد. افزایش خودکشی همواره بین مردان بیش از زنان وجود دارد. هم‌چنین آمار خودکشی سفیدپوستان در برخی کشورها مثل آمریکا از سیاه‌پوستان بیشتر است. علت این تفاوت، برخورداری بیشتر سفیدپوسان از آزادیهای فردی و فشار کمتر قوانین و مقررات اجتماعی بر آنها است که هر دو با افزایش میزان خودکشی ارتباط دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴).

۶. طبقه‌بندی خودکشی‌ها بر اساس علتها و عوامل آنها

خودکشی‌ها را بر اساس علتها و عوامل آنها می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد که عبارت است از: (التلاویلا، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷ و ۲۰۸):

• خودکشی بر اساس گرایش

این نوع خودکشی مبین یک گرایش یا تفکر طولانی است که برای این منظور می‌توان به عناصر، نشانه‌ها و آثار مهمی دست یافت که این وضع روانی را ثابت می‌کند. برخی اشخاص بر اثر قدرت ارث یا بر اثر غریزه کوری که بر غریزه صیانت فائق می‌آید، جبراً به خودکشی سوق داده می‌شوند. برای این گروه، مرگ نتیجه منطقی هر ناراحتی ناچیز، و وسیله‌ای طبیعی‌رهایی از هر بدبختی است. برای این افراد، حوادث غیرقابل احتراز سرنوشت آنها (یعنی مرگ) به قدری آمرانه و غیرقابل مقاومت است که گاهی برای قطع آخرین رابطه‌ای که آنها را به حیات پیوند می‌دهد و برای خاموش کردن آخرین بارقه‌ای که در شب تاریک آنان می‌درخشد، به خودکشی دست می‌زنند.

• خودکشی بر اساس ضعف غریزه صیانت

این افراد، دیگر تاب و تحمل درد را ندارند و در برابر آن حساسیت عجیبی پیدا می‌کنند و بر اثر آن اندوهگین می‌شوند و خفیف‌ترین محرک، سبب رنج آنها می‌شود. در واقع، حالت تحریک حساسیت در برابر درد، زندگی را محال می‌کند و مرگ را وسیله‌ای‌رهایی‌بخش جلوه‌گر می‌سازد.

• خودکشی بر اساس جنون

برخی از افرادی که به «روان‌پریشی» (پسیکوز)^۱ دچار هستند، گاهی مرتکب خودکشی می‌شوند که از جمله می‌توان به مبتلایان به «اسکیزوفرنی»^۲، «مانیا دپرسیوآ»^۳، «صرع»^۴ و «افسردگی شدید»^۵ اشاره کرد.

• خودکشی بر اساس عشق و شهوت

عشق و شهوت همواره می‌تواند افرادی را به خودکشی وادار کند. طلاق و متارکه، خیانت جنسی، ترک کردن کانون خانواده بر اثر حسادت‌های جنسی و مازوشیسم (مازوخیسم) از این موارد است.

1. Psychosis
2. Schizophrenia
3. Mania-Depressive
4. Epilepsy
5. Depression

• خودکشی اتفاقی

گاهی فکر خودکشی به شکلی ناگهانی به ذهن خطور می‌کند. در این حال، دلیلی فاقد معنی بر اثر ضعف غریزه صیانت بر فرد غلبه می‌کند. هم‌چنین به علت رنجهایی که فرد را از پا در می‌آورد، ناخشنودی کوچکی می‌تواند برای خودکشی کافی باشد.

۷. طبقه‌بندی خودکشی‌ها براساس عناصر مادی و روانی

خودکشی‌ها را براساس عناصر مادی و روانی می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد که عبارت است از:

• خودکشی مستقیم یا ساده

در این نوع خودکشی، فرد منتحر وسایل یا روشهای متفاوتی به قتل خود اقدام می‌کند. خودکشی مستقیم یا ساده، شایعترین و رایجترین نوع خودکشی است. در واقع، غالب خودکشی‌ها جزو این نوع از خودکشی است (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۴۳۳).

• خودکشی غیرمستقیم

در بعضی موارد (البته کم)، خودکشی به جای اینکه از جنایت پیشگیری کند به آن دامن می‌زند. گاهی مشاهده می‌شود برخی از افراد فرومایه، ترسو و خرافاتی که از زندگی سیر شده‌اند، دیگران را می‌کشند تا به جرم قتل آنها اعدام، و به این وسیله در واپسین دم حیات از طلب مغفرت کلیسا برخوردار شوند. این هم نوعی خودخواهی عجیب و شهوت دینی است. فردی به نام «ناگرال»^۱ از زندگی به ستوه آمده بود، اما جرأت و شهامت خودکشی نداشت؛ لذا شخص دیگری را به قتل رساند تا خود او را نیز اعدام کنند (همان، ص ۴۳۵).

• خودکشی ساختگی

خودکشی ممکن است به دلایل گوناگون، ساختگی باشد. در تشخیص ساختگی بودن خودکشی، باید حد اعلاّی احتیاط را به کار برد و نباید شتابزده قضاوت کرد. «پروآل»^۲ در بحث خودکشی‌های ساختگی از «خودکشی برای اخاذی» سخن گفته و آن را بر سه نوع دانسته است:

1. Nagral

2. Proal

نوع اول) افراد به خودکشی تظاهر می‌کنند تا از تأثیرپذیری دیگری، سوءاستفاده و اخاذی کنند؛ مثلاً پسری برای اینکه پدرش را به پرداخت دیون خود وادار کند، او را با حرکات و اقداماتی مضطرب، و تهدید می‌کند که دوباره به چنین عملی دست خواهد زد و به طور قطع خودکشی خواهد کرد.

نوع دوم) خودکشی انفعالی مبتلایان به جنون «افسانه بافی» و بیماری «هیستری»^۱ گاهی برای جلب توجه افکار عمومی است.

نوع سوم) خودکشی بر اثر برانگیختگی اشخاص زود خشم، که برای انتقام‌جویی، تشویش خاطر و متألّم ساختن دیگران است. البته در حالت خشم کم اتفاق می‌افتد که آدمی در اندیشه خودکشی باشد؛ مع‌الوصف، باید محتاط بود زیرا آنچه اجرای آن مستلزم کمال احتیاط است و با گزینه بنیادی مغایرت دارد، می‌تواند گرایشی را آشکار سازد که در نمیه ناخودآگاه مخفی است (التاویلا، ۱۳۸۴، ص ۲۳۲).

• خودکشی مضاعف

مجموعه قتل و خودکشی یا دو خودکشی در یک مکان و زمان «خودکشی مضاعف» نامیده می‌شود. این نوع خودکشی به مثابه بحران نهایی است و بین اشخاص جوان، مجرد، سربازان و حتی سالمندان روی می‌دهد. در حالت اخیر، خودکشی مضاعف ثمره عشق فرزندی یا ترکیب پدرکشی و خودکشی است (کی‌نیا، ۱۳۸۴، ص ۴۳۴).

۸. علت شناسی خودکشی از دید نظریه‌های جرم‌شناختی

۸-۱. نظریه جامعه‌شناختی دورکیم در مورد خودکشی

«امیل دورکیم» (۱۸۵۷-۱۹۱۷ میلادی) در کتاب «خودکشی»، ضمن مطالعه پدیده خودکشی به عنوان آسیب اجتماعی که ممکن است در میان همه گروه‌های اجتماعی بروز پیدا کند، عمده علت افزایش و شیوع این پدیده را در بدنه اجتماع دانسته است. به این ترتیب که وی سه دلیل برای شناسایی علت خودکشی بیان می‌کند که البته اولویت را به مسائل اجتماعی و نبودن انسجام درون جامعه می‌داند. وی علت‌های خودکشی را در سه عامل زیر بیان می‌کند:

۱. «هیستری» حالتی در فرد است که اضطراب را به نشانه‌های بیماری تبدیل می‌کند و آن نشانه‌ها بعداً، کم و بیش از بقیه شخصیت فرد هیستریک مستقل می‌شود؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک. اسپرلینگ، آبراهام: مأخذ پیشین، ص ۳۹۶-۳۹۷.

اول: خودکشی به علت عدم اتحاد و همبستگی، از هم گسیختگی رشته الفت و انزوا در اجتماع رخ می‌دهد. در دوران بحران همچون انقلاب و جنگ، که اتحاد بین افراد جامعه مستحکم می‌شود، میزان خودکشی کاهش می‌یابد.

دوم: خودکشی ناشی از جنون و بیماریهای روانی که بیشتر معلول عدم تعادل روانی و عدم حمایت از این بیماران است.

سوم: خودکشی ناشی از دیگرپرستی. در جوامعی که تمایل شدید به تسلط بر منافع افراد شدت می‌یابد و فرد، وسیله‌ای بی‌اراده در دست اجتماع است از لحاظ روانی آمادگی دارد که خود را فدای اجتماع و قربانی آن کند. چنین فردی وقتی مرتکب عمل خلاف شئون و حیثیت جامعه شد به خودکشی اقدام می‌کند. نظایر این نوع خودکشی‌ها در محیط‌های ارتشی با انضباط و یا بین گروهی زیاد دیده می‌شود که همبستگی و هماهنگی شدیدی دارند.

۸-۲. نظریه روانشناختی فروید در مورد خودکشی

در اندیشه «زیگموند فروید»^۱ (۱۹۳۹-۱۸۵۶ میلادی) بنیانگذار علم روانکاو توجیهات گوناگونی برای خودکشی می‌توان یافت. به نظر فروید، خودکشی ثمره «هماندسازی» یا «همسان‌سازی» یا «عینیت دادن» است به این معنی که میل خودکشی را می‌توان تهاجمی علیه شخص مورد علاقه تفسیر کرد که فرد خودش را بر آن عینیت می‌دهد.

۹. عوامل مؤثر در بروز ناهنجاریها و سبب ساز خودکشی از دیدگاه آموزه‌های دینی

«روان» کلمه‌ای فارسی است که معادل آن در فرهنگ قرآنی، نفس یا روح است. بیماری و سلامت روان، در قرآن و حدیث اغلب به قلب نسبت داده شده که شئونی از روح و نفس است که در فارسی از آن به «دل» تعبیر شده است. «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (بقره، ۱۰) و «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب، ۳۲) و از اولیای الهی به عنوان دارنده قلب سلیم تعریف و تمجید شده است:

«إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعراء، ۸۹) «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (صافات، ۸۴).

بیماران روانی کسانی هستند که شخصیت خود را از دست داده‌اند و با محیط خارج خود بیگانه و یا شخصیت آنها تجزیه شده است. روان انسان، دستگاه منظمی است که خودکار وظایفی را انجام می‌دهد؛ مثلاً در برابر شادیهها، مسرور و از مشاهده ناراحتیهها، متأثر می‌شود. لکن گاهی ممکن است عوارض ناگهانی، این انتظام را به هم بزند و دستگاه روان را از وظایف خود باز دارد. بیماران روانی با خودشان هم بیگانه می‌شوند و تصویر خود را در دیگری نمی‌بینند و نمی‌توانند با توجه به مقررات اجتماع با دیگران رابطه ایجاد کنند و خود را نسبت به همه کس بیگانه می‌شمارند؛ حرکات و رفتارشان غیرعادی و برخورد آنان نیز غیرطبیعی است.

در ادامه به بررسی عواملی پرداخته می‌شود که از دیدگاه آموزه‌های دینی در ارتکاب رفتار نابهنجار مؤثر است:

الف) تزلزل در باورهای دینی

نظام فرهنگی اسلام عهده‌دار بایدها و نیایدهای مطابق با سراسر حیات است. اگر دین در عرصه اجتماع حضور فعال داشته باشد، روابط فردی و اجتماعی به شکل کاملاً هنجاری تجلی می‌کند؛ در غیر این صورت، هیچ‌گونه تضمینی برای پاسداری از هنجارهای دینی وجود ندارد. در نتیجه، نظام کنش اعضا بر هم می‌خورد و با اختلال و بحران روبه‌رو می‌گردد (ر. ک. به: غررالحکم، ص ۸۴ و ۸۶).

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در عرصه‌های مختلف و دوره‌های گوناگون نسبت به کارکردهای منفی تزلزل در باورها هشدار می‌دهند:

«خداوند متعال او [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] را زمانی فرستاد که مردم در درون فتنه‌ها قرار داشتند؛ رشته‌های دین گسسته و ارکان ایمان و یقین متزلزل شده، راه‌های اساسی برای شناخت حق مختلف، و امور مردم پراکنده و متشتت، راه فرار از فتنه‌ها باریک و پناهگاه ناپیدا، هدایت فراموش شده و گمراهی و نابینایی همه را فراگرفته بود. خدای رحمان معصیت، و شیطان یاری می‌شد، ایمان بدون یاور مانده، ارکان آن فرو ریخته و نشانه‌هایش دگرگون شده بود» (امامی و آشتیانی، ج ۱، ص ۷۱).

ب) بحران هویت

همان‌گونه که هویت شخصی موجب اعتماد به شخص، استقلال، تعادل شخصیت، تعادل

رفتاری، مسئولیت‌پذیری، احساس مفید بودن و ارزشمندی در شخص می‌شود، هویت‌های اجتماعی و فرهنگی بویژه هویت دینی به شخص معنا و مفهوم دیگری می‌دهد که از نظر قرآن، ارزشمندترین حالت در حالات و صفات انسانی است (حجرات، ۱۳). سلامت و شادابی زندگی و بهنجاری هویت به معنی‌دار بودن زندگی و باور به فلسفه معقول زیست آدمی وابسته است؛ اما همواره این معنی‌یابی آسان به دست نمی‌آید و چه بسا آدمی در اثر نگاه مادی و از این بابت دستخوش بحران هویت شود.

ج) فراموشی یاد خدا و اعراض از آن

بر اساس دستورها و ارشادات قرآنی کسی که از یاد خدا غافل شود و از آن دل بگرداند، علاوه بر عذاب اخروی در دنیا نیز به زندگی سختی مبتلا خواهد شد: «مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى؛ (طه، ۱۲).

اعراض از یاد خداوند در مراحل شدیدتر موجبات بی‌ایمانی و کفر را پدید می‌آورد که این امر نیز به نوبه خود یکی از علتهای بیماری روانی به شمار می‌رود؛ چراکه این حالت یکی از موانع شناخت و درک صحیح واقعیات و حقایق است. به دلیل کفر، ابزار اصلی شناخت یعنی قلب، چشم و گوش از کار می‌افتد «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً (بقره، ۷)؛ خداوند بر دلها و گوشها و چشمهایشان پرده افکنده است» و این یعنی ظلمت و گمراهی مطلق که در آیه دیگر فرمود: «وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (نور، ۴۰)؛ کسی که خدا برای او نوری قرار نداده است برای او نور نیست» و این تاریکی و ظلمت مطلق همان ایجاد زمینه بالقوه اضطراب، تشویش درونی و نگرانیهای روحی است.

د) دلبستگی به امور مادی و غیرالهی

وابستگی و دلدادگی شدید به امکانات فردی و اجتماعی از قبیل ثروت، فرزند، پست، مقام و امثال اینها، که زینت حیات دنیایی است، انسان را از ذکر و یاد خدا غافل می‌کند؛ لذا قرآن در این باره هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (منافقون، ۹): ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند و کسانی که چنین کنند، زیانکارند». غفلت از یاد خدا یعنی از دست

دادن یکی از مهمترین ابزار آرامش انسان؛ چرا که آرامش انسان تنها با یاد خداست: «ألا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸).

یکی از زمینه‌هایی که انسان را به صفات زشت از قبیل اعراض از یاد خدا و ثروت‌اندوزی ترغیب می‌نماید صفتی تحت عنوان "هَلْع" است. انسان هلوع هرگاه دچار تنش و کمبودی بشود، عجز و لابه می‌کند و چون خیری (نفعی) به او برسد، بخل می‌ورزد و حاضر نیست دیگران از آن منافع بهره‌ای داشته باشند:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» (معاراج، ۲۱-۱۹)؛
به یقین انسان، حریص و کم طاق است آفریده شده است. هنگامی که بدی به او می‌رسد بیتابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او می‌رسد، مانع دیگران می‌شود (بخل می‌ورزد)». لازمه این حرف این است که در برخورد با مشکلات و مصائب، متزلزل و مضطرب و نگران می‌شود.

۵) ترک ازدواج

یکی از مواهب الهی وجود همسر شایسته برای انسان است که مایه آرامش زندگی است؛ چنانچه قرآن کریم در دو آیه به این دلیل تصریح فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم، ۲۱): از جمله نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید» در آیه دیگر هم فرمود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ فِيهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف، ۱۸۹):

و) بدبینی، یأس و ناامیدی

سوءظن و بی‌اعتمادی، نوعی بیماری روانی خطرناک است که عوارض نامطلوبی در فرد و جامعه می‌گذارد و توده‌های مردم را به جان هم می‌اندازد و صفای خانواده‌ها را مکدر می‌سازد و دل‌های پاک را چرکین می‌کند و سرانجام به کینه‌توزی و می‌دارد. همین بیماری ممکن است در سطح کشورها و بین‌المللی اثر زیانبارتری به دنبال داشته باشد و آسیبه‌ها و خشونت‌های فراوانی به بار آورد؛ لذا در اسلام از گناهان بزرگ نامیده شده و قرآن مؤمنان را از آن بر حذر داشته است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲)؛ سوءظن، امور اجتماعی را به هم می‌ریزد و آشوب و فتنه برپا می‌سازد. علی علیه السلام فرمود: «سُوءُ الظَّنِّ يَفْسِدُ الْأُمُورَ وَ يَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ» (غررالحکم، ص ۴۳۳، ش ۲۶). انسان‌های دارای سوءظن نسبت به دیگران حتی

خانواده و نزدیکان خود، بی اعتماد، عقده‌ای و کینه‌توزند و در زندگی شخصی خود دائماً محزون، غمگین، تنها، مضطرب و نگرانند؛ چون به کسی اعتماد ندارند، همیشه خود را در جامعه تنها حس می‌کنند و معلوم است که کشیدن بار زندگی به تنهایی کاری مشکل و اضطراب‌زا است؛ بنابراین، سوءظن و بی‌اعتمادی یکی از علت‌های نگرانیها به شمار می‌رود.

ز) ناسپاسی و کفران نعمت

به کارگیری نعمت‌ها، امکانات و منابع مادی و معنوی، که در اختیار انسان است در مسیرهای تخریبی، گناه و ستم، کفران نعمت است که باعث از دست رفتن نعمت امنیت و آرامش و ایجاد هراس می‌شود. به کارگیری نعمت‌های الهی در مسیر صحیح آن باعث افزایش آن می‌شود و مصرف آن در موارد غیرمجاز باعث سلب آن نعمت است. این مسئله در قرآن کریم به صورت ضرب‌المثلی روشن بیان شده است که قومی دارای نعمت امنیت و آرامش در کنار سایر نعمتها بودند، ولی در اثر کفران نعمت، خداوند لباس گرسنگی و ناامنی را بر آنها پوشاند: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ، فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل، ۱۱۲)؛ خداوند برای آنان که کفران نعمت می‌کنند، مثال جالبی را بیان کرده است قریه آبادی را که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش فراوان از هر مکانی فرا می‌رسید، نعمت خدا را کفران کردند و خداوند به دلیل رفتاری که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید». بنابراین از جمله عوامل ناامنی و مشکلات روانی کفران نعمت الهی است.

ح) احساس گناه

با توجه به اینکه، این خلاف یا خطا از نظر اسلام و اجتماع گناه به شمار نمی‌آید، اگر احساس گناه در اعماق وجود فرد ریشه بدواند به‌گونه‌ای که وی به مؤاخذه خود اقدام کند و خود را بیش از حد سرزنش کند و بر حال خود بگیرد و نسبت به خود احساس ترحم کند، چنین احساس گناهی، بیماری شمرده می‌شود و آثار و عوارض فراوانی بر آن مترتب است. شاید یکی از بارزترین آثار آن، خود مجازاتی باشد تا به این وسیله، کفاره گناه خود را بپردازد؛ مانند مواردی که فرد به خود اذیت و آزار می‌رساند یا رفتار ناهوشیارانه‌ای مانند شستشوی بدون دلیل دست و دیگر رفتاری انجام می‌دهد که مباحث روانشناسی در توضیح این بیماری برمی‌شمارد (بستانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶).

ط) احساس پوچی و حقارت

از برجسته گونه‌های احساس کمبود، ارزشیابی منفی از خود است. به طور کلی علت هر نوع نگرش منفی فرد نسبت به خود را باید در سرزنش خود جست‌وجو کرد؛ خواه این نگرش به صورت سرزنش باشد یا دلسوزی و ترحم و خواه به احساس کمبود مربوط باشد یا احساس گناه و یا سایر گونه‌های نگرشی منفی نسبت به خود. به هر حال، احساس پوچی یکی از عوامل اضطراب، افسردگی و نگرانی است که در اسلام برای رویارویی به آن راهکارهایی ارائه شده است (بستانی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶).

۱۰. روش پژوهش

از جمله ویژگی‌های یک مطالعه علمی که هدفش حقیقت‌یابی است، استفاده از یک روش تحقیق مناسب است. انتخاب روش پژوهش مناسب به هدفها، ماهیت و موضوع تحقیق و امکانات آن بستگی دارد. هدف از پژوهش دسترسی دقیق و آسان به پاسخ پرسش‌های آن است که پژوهشگر می‌کوشد فعالیت‌هایی نظام‌مند و سازمان‌یافته را طراحی و اجرا کند تا این فعالیت به یافتن پاسخ برای سوالات وی منجر شود. با توجه به اهداف و سؤالات این تحقیق، روش آن «توصیفی - پیمایشی» است.

جامعه آماری تحقیق شامل کارشناسان و نخبگان ناجا در موضوع پژوهش است که در سطح ناجا ۵۰۰ نفر برآورد گردید که حجم نمونه مورد نیاز بر اساس فرمول کوکران ۲۱۴ نفر بود که به صورت تصادفی انتخاب شد.

بر اساس یافته‌های ادبیات نظری پژوهش و هم‌چنین بر اساس نتایج مصاحبه و کسب نظر نخبگان سازمان سعی شد برخی عوامل مربوط به علت‌های وقوع خودکشی کارکنان وظیفه و راهکارها و تدابیر پیشگیرانه مورد شناسایی قرار گیرد و در نهایت پرسشنامه محقق ساخته با طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) تهیه و تنظیم شد.

محور سؤالات پرسشنامه: علت‌های برون‌سازمانی (عوامل زمینه‌ساز) مؤثر بر خودکشی

بر اساس نظریات علت‌شناسی جنایی

- سست شدن باورهای دینی و کاهش اعتقاد قلبی به اصل دینی معاد
- نداشتن اعتماد به نفس، احساس پوچی و ناامیدی شدید و بی‌هویتی

- عقده‌های روحی و روانی و جنون آنی
- مشکلات عاطفی (عشق کاذب، کمبود محبت و...)
- مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع
- مشکلات اقتصادی و ورشکستگی
- بیماری سخت و بی‌درمان
- افراط در مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر و روانگردان
- حسادت، غرور، تنبلی، پشیمانی، نشان دادن قدرت اراده، جلب ترحم دیگران و خودخواهی
- آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازات‌های کیفری
- افسردگی و انزوای شدید اجتماعی
- حس کنجکاوی، ماجراجویی، شرارت و بازی با اسلحه
- فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف
- تحت تاثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت
- گریز موقت از مشکلات
- موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی
- دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار
- پایین بودن سطح تحصیلات
- نازپروردگی و آماده نبودن برای تحمل سختیهای زندگی و خدمتی
- پنهان کردن بیماری روانی و مراجعه نکردن به روانشناس
- فقر و مشکلات اقتصادی خانواده
- اوضاع نامساعد حاکم بر خانواده (نبود محیط گرم و عاطفی)
- سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض
- توجه نکردن به نیازهای بحق و منطقی فرزندان بویژه جوانان و نوجوانان
- اعتیاد پدر و مادر به مواد مخدر و مشروبات الکلی و نبود مدیریت و ساماندهی در خانه و خانواده
- بی‌توجهی به مشکلات روحی و روانی فرزندان و عدم تعقیب وضع آنها
- بیماری سخت و بی‌درمان یک یا چند نفر از اعضای خانواده و تحمل فشار مشکلات آنها در خارج از حد توان
- مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع بویژه ناموسی توسط یکی از اعضای خانواده

• فقر فرهنگی خانواده

به منظور بررسی روایی پرسشنامه‌های مورد استفاده از روایی سازه و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی^۱ و تحلیل عامل تأییدی^۲ بهره برده، و در نهایت با هدف بررسی میزان اعتمادپذیری از همسانی درونی داده‌ها استفاده، و میزان آلفای کرونباخ گزارش شده است. میزان الفا برابر ۸۶ صدم است.

۱۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی

- از نظر درجه کمتر از ۱۰ درصد، سروان، ۱۵/۸ درصد سرگرد، ۱۸/۸ درصد (سرهنگ دو) و ۵۵/۹ درصد سرهنگ بوده‌اند. چنانکه ملاحظه می‌شود بیشترین فراوانی پاسخ‌دهندگان از میان افراد با درجه سرهنگ بوده است که این امر با عنایت به تجربه و اندوخته‌های این افراد میزان اعتماد پذیری نتایج پژوهش را دو چندان می‌سازد.
- از نظر میزان تحصیلات مشارکت کنندگان، تحصیلات بیش از نیمی (۶۰ درصد) از پاسخ‌دهندگان کارشناسی، ۲۸ درصد (۵۶ نفر) کارشناسی ارشد و تنها ۱۲ درصد (۲۴ نفر) دارای مدرک کاردانی بوده‌اند. مقایسه این آمار نیز بیانگر آن است که سطح علمی مشارکت کنندگان نیز با توجه به مجموع دارندگان مدرک کارشناسی ارشد و کارشناسی به میزان ۸۸ درصد، از میزان قابل قبول و متناسبی برخوردار است.
- از نظر سابقه خدمتی بیش از ۴۳ درصد بیش از ۲۵ سال سابقه خدمتی داشته‌اند که به اعتبار نتایج پژوهش افزوده است؛ این در حالی است که فرماندهانی که بین ۲۱ تا ۲۵ سال سابقه داشته‌اند با فراوانی ۲۴/۶ درصد در رده دوم قرار دارند.

۱۲. یافته‌های پژوهش

۱۲-۱. تعیین تعداد عوامل بر اساس تحلیل عامل اکتشافی

به منظور تعیین تعداد عوامل مؤثر بر بروز خودکشی و نامگذاری هر یک از این عوامل در این قسمت از دو روش آزمون کرویت بارتلت و نمودار سنگریزه کتل استفاده شده است. در واقع با این روش مشخص می‌شود که با توجه به همبستگی میان برخی از گویه، کدام

1. Exploratory factor analysis

2. confirmatory factor analysis

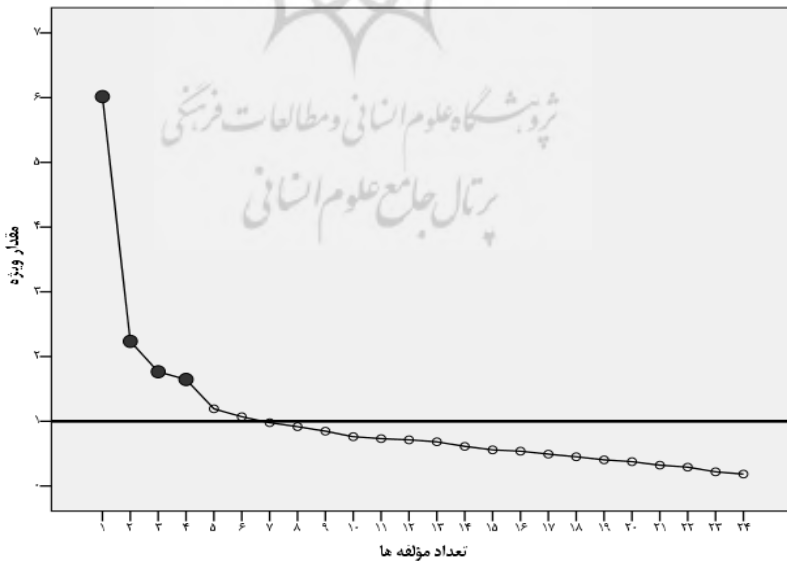
یک از آنها را می‌توان در یک عامل مشترک مورد طبقه‌بندی قرار داد. به همین منظور از آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO به عنوان مفروضات تحلیل عامل اکتشافی و همچنین از نمودار سنگریزه کتل استفاده می‌شود. در جدول زیر (جدول ۴-۲) نتایج تحلیل آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO نشان داده شده است:

جدول (۱): آزمون کرویت بارتلت و آماره KMO پرسشنامه عوامل برون‌سازمانی مؤثر در بروز خودکشی

آماره کرویت بارتلت	آماره KMO
۱۷۰۲/۷ (df = P۳۰۰ = ۰/۰۰۱)	۰/۷۸۵

آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی ۳۰۰ و میزان ۱۷۰۲/۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار، و نیز آماره KMO در سطح مطلوب (۰/۷۸۵) گزارش شده است. یکی از روشهای مشخص کردن تعداد عاملهای قابل استخراج در تحلیل عامل اکتشافی توجه به مقدار ویژه بیش از یک است.

با توجه به نمودار سنگریزه زیر (شکل ۴-۲)، اگرچه شش عامل دارای مقدار ویژه بیش از یک است، چهار عامل معنادار وجود دارد. بر این اساس باید گویه‌های مربوط به عوامل برون‌سازمانی مؤثر بر خودکشی را در چهار عامل معنادار طبقه‌بندی کرد و مورد شناسایی قرار داد.



شکل (۱): نمودار سنگریزه کتل برای تعیین تعداد عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی

۲-۱۲. نامگذاری و انتخاب عنوان برای چهار عامل شناسایی شده برون سازمانی بر اساس آزمون کرویت بارتلست و آماره KMO و همچنین نمودار سنگریزه کتل، گویه‌های مورد بررسی را در چهار عامل مورد شناسایی قرار گرفت. حال لازم است با توجه به اینکه گویه‌هایی که در هر یک از عوامل چهارگانه قرار می‌گیرد در یک ویژگی برجسته قابل جمع است برای این عوامل، نام و عنوان متناسب با گویه‌های مربوط با آن عامل انتخاب گردد. با توجه به اینکه میان عاملها همبستگی هست لازم است برای استخراج عوامل از روش عاملهای اصلی (PC) و به منظور ساده‌سازی ساختار عاملی از چرخش پرومکس استفاده شود.

جدول (۲): بارهای عاملی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی با چرخش

عوامل	شماره	گویه	عامل یکم	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
خصوصیات خانوادگی	S_۲۵	اعتیاد پدر و مادر به مواد مخدر و مشروبات الکلی و نبود مدیریت و ساماندهی درخانه و خانواده	۰.۷۹۸			
	S_۲۴	توجه نکردن به نیازهای بحق و منطقی فرزندان بویژه جوانان و نوجوانان	۰.۷۹۷			
	S_۲۶	بی‌توجهی به مشکلات روحی و روانی فرزندان و دنبال نکردن وضع آنها	۰.۷۶۲			
	S_۲۸	مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع بویژه ناموسی توسط یکی از اعضای خانواده	۰.۵۶۶			
	S_۲۲	اوضاع نامساعد حاکم بر خانواده (نبود محیط گرم و عاطفی)	۰.۵۵۷			
	S_۲۰	پنهان کردن بیماری روانی و مراجعه نکردن به روانشناس	۰.۵۵۶			
	S_۲۷	بیماری سخت و بی‌درمان یک یا چند نفر از اعضای خانواده و تحمل فشار مشکلات آنها در خارج از حد توان	۰.۴۹۳			
	S_۲۳	سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض	۰.۴۸۰			

ادامه جدول (۲): بارهای عاملی عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی با چرخش

عوامل	شماره	گویه	عمل یکم	عمل دوم	عمل سوم	عمل چهارم
خصوصیات فردی عرضی	s_۱۳	فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف		۰.۷۶۴		
	s_۱۶	موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی		۰.۷۴		
	s_۱۲	حس کنجکاو و ماجراجویی نسبت به اسلحه		۰.۶۷۸		
	s_۹	حسادت، غرور، تنبلی، پشیمانی، نشان دادن قدرت اراده، جلب ترحم دیگران و خودخواهی		۰.۶۴۳		
	s_۱۷	دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار		۰.۵۷۹		
	s_۱۰	آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای کیفری		۰.۵۱۸		
	s_۱۴	تحت تاثیر قراردادن فرماندهان برای کسب هرنوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت		۰.۵۱۵		
	s_۱۵	گریز موقت از مشکلات		۰.۴۶۲		
	s_۱۹	نازپروردگی و آماده نبودن برای تحمل سختی‌های زندگی و خدمتی		۰.۳۸۶		
خصوصیات فردی ذاتی	s_۲	نداشتن اعتماد به نفس، احساس پوچی و ناامیدی شدید و بی‌هویتی			۰.۷۴	
	s_۱	سست شدن باورهای دینی و کاهش اعتقاد قلبی به اصل دینی معاد			۰.۶۹۲	
	s_۳	عقددهای روحی و روانی و جنون آئی			۰.۶۷۲	
	s_۴	مشکلات عاطفی (عشق کاذب، کمبود محبت و...)			۰.۶۶۲	
	s_۵	مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع			۰.۵۹۹	
	مسائل اقتصادی	s_۲۱	فقر و مشکلات اقتصادی خانواده			
s_۶		مشکلات اقتصادی و معیشتی				۰.۸۷۶

بر اساس یافته‌ها و داده‌های جدول (۲) می‌توان گویه‌های مربوط به سؤال پژوهش را در چهار عامل دسته‌بندی، و طبقه‌بندی نمود. عوامل چهارگانه شناسایی شده با توجه به مفهوم گویه‌هایی که با یک عامل مشترک همبستگی بیشتری دارد، نامهای مشخصی برای هر یک از این عوامل در نظر گرفت. این نامگذاریها به ترتیب است:

ویژگیهای خانوادگی برای عامل یکم: برخی از این ویژگیها، که در بستر و فضای خانواده ظهور و بروز پیدا می‌کند، عبارت است از: اعتیاد پدر و مادر به مواد مخدر و مشروبات الکلی و نبود مدیریت و ساماندهی در خانه و خانواده، توجه نکردن به نیازهای بحق و منطقی

فرزندان بویژه جوانان و نوجوانان، بی توجهی به مشکلات روحی و روانی فرزندان و دنبال نکردن وضع آنها مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع بویژه ناموسی توسط یکی از اعضای خانواده

ویژگیهای فردی عرضی برای عامل دوم: منظور از ویژگیهای فردی عرضی این است که این ویژگیها با توجه به قرار گرفتن فرد در موقعیت زمانی و مکانی خاص یعنی مثلاً محیط خدمتی بر فرد عارض شده که برخی از آنها عبارت است از: فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا انجام وظایف، موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی، حس کنجکاو و ماجراجویی نسبت به اسلحه، دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار، آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای کیفری، تحت تأثیر قرار دادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت.

ویژگیهای فردی ذاتی برای عامل سوم: گویه‌هایی که در این عامل قرار می‌گیرد به ویژگیها و اوصاف اخلاقی شخص مربوط است که بر خلاف اوصاف عرضی، که مقطعی و عمدتاً در درون فرد پایدار و نهادینه شده است؛ لذا به این دسته از اوصاف، ویژگیهای فردی ذاتی اطلاق شده است. برخی از این اوصاف حسب گویه‌های شناخته شده عبارت است از: نداشتن اعتماد به نفس، احساس پوچی و ناامیدی شدید و بی‌هویتی، سست شدن باورهای دینی و کاهش اعتقاد قلبی به اصل دینی معاد، عقده‌های روحی و روانی و جنون آنی

مسائل اقتصادی برای عامل چهارم: اگرچه از یک دیدگاه می‌توان مسائل اقتصادی را یکی از ویژگیهای فردی یا خانوادگی داشت با عنایت به نتایج آزمونها و با توجه به اثرگذار بودن و اهمیت عامل اقتصادی در بروز رفتارهای منحرفانه از جمله اقدام به خودکشی شایسته است این گویه‌ها به صورت مستقل و جدا با عنوان عامل اقتصادی مورد توجه و شناسایی قرار گیرد.

۳-۱۲. ارزیابی تأثیر عوامل با استفاده از تحلیل عامل تأییدی

پس از تحلیل عامل اکتشافی به منظور ارزیابی و فرض‌آزمایی تأیید عوامل استخراج شده از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد که در جدول ذیل بارهای عاملی هر گویه، ضریب تعیین و میزان آماره تی با هدف بررسی معناداری بارعاملی ارائه شده است:

جدول (۳): بارهای عاملی، ضریب تعیین و آماره t عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی

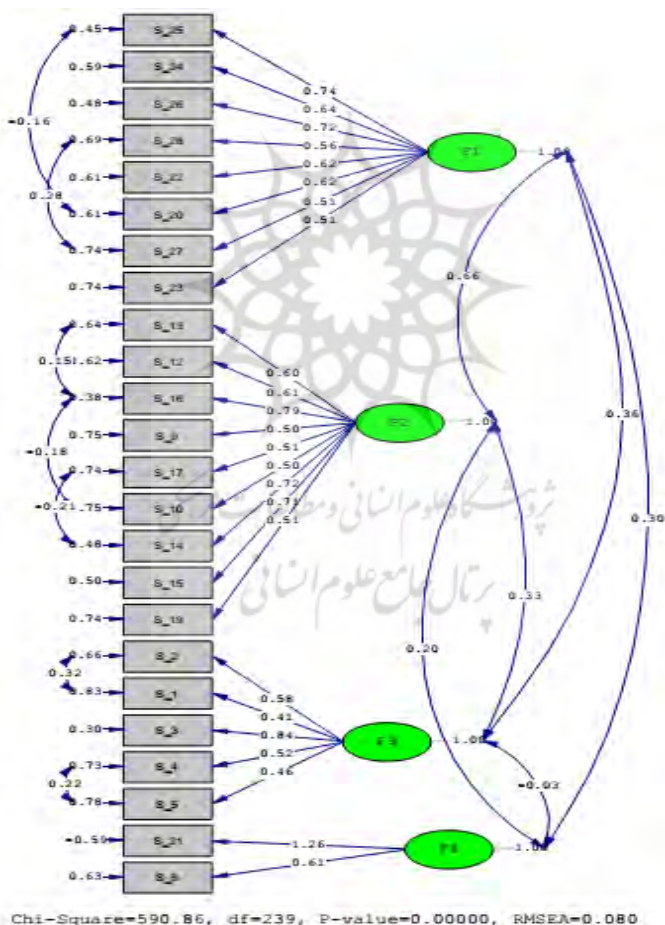
عوامل	شماره	گویه	بار عاملی	ضریب تعیین	آماره t**
ویژگیهای خانوادگی	S_25	اعتماد پدر و مادر به مواد مخدر و مشروبات الکلی و نبود مدیریت و ساماندهی در خانه و خانواده	۰.۷۴	۰.۵۵	۱۱.۴۴
	S_24	توجه نکردن به نیازهای بحق و منطقی فرزندان بویژه جوانان و نوجوانان	۰.۶۴	۰.۴۱	۹.۵۶
	S_26	بی توجهی به مشکلات روحی و روانی فرزندان و دنبال نکردن وضع آنها	۰.۷۲	۰.۵۲	۱۱.۱۵
	S_28	مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع بویژه نا موسی توسط یکی از اعضای خانواده	۰.۵۶	۰.۳۱	۸.۱۳
	S_22	اوضاع نامساعد حاکم بر خانواده (نبود محیط گرم و عاطفی)	۰.۶۲	۰.۳۹	۹.۲۳
	S_20	پنهان کردن بیماری روانی و مراجعه نکردن به روانشناس	۰.۶۲	۰.۳۹	۹.۰۱
	S_27	بیماری سخت و بی درمان یک یا چند نفر از اعضای خانواده و تحمل فشار مشکلات آنها در خارج از حد توان	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۱۹
	S_23	سختگیری و ایجاد فشارهای روحی و جسمی غیرمنطقی همراه با تحقیر و تبعیض	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۳۳
	S_13	فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف	۰.۶۰	۰.۳۶	۸.۷۹
	S_16	موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی	۰.۶۱	۰.۳۸	۹.۱۵
ویژگیهای فردی عرضی	S_12	حس کنجکاو و ماجراجویی نسبت به اسلحه	۰.۷۹	۰.۶۲	۱۲.۶۲
	S_9	حسادت، غرور، تنبلی، پشیمانی، نشان دادن قدرت اراده، جلب ترحم دیگران و خودخواهی	۰.۵۰	۰.۲۵	۷.۲۲
	S_17	دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۱۵
	S_10	آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای کیفری	۰.۵۰	۰.۲۵	۷.۰۲
	S_14	تحت تأثیر قراردادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت	۰.۷۲	۰.۵۲	۱۱.۲۴
	S_15	گریز موقت از مشکلات	۰.۷۱	۰.۵۰	۱۱.۰۱
	S_19	ناز پروردگی و آماده نبودن برای تحمل سختیهای زندگی و خدمتی	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۳۱
	S_2	نداشتن اعتماد به نفس، احساس پوچی و ناامیدی شدید و بی هویتی	۰.۵۸	۰.۳۴	۷.۶۰
	S_1	سست شدن باورهای دینی و کاهش اعتقاد قلبی به اصل دینی معاد	۰.۴۱	۰.۱۷	۵.۱۵
	S_3	عقدههای روحی و روانی و جنون آنی	۰.۸۴	۰.۷۰	۱۰.۶۰
مسائل اقتصادی	S_4	مشکلات عاطفی (عشق کاذب، کمبود محبت و...)	۰.۵۲	۰.۲۷	۶.۷۶
	S_5	مشکلات اخلاقی و ارتکاب کارهای خلاف شرع	۰.۴۶	۰.۲۲	۵.۹۵
	S_21	فقر و مشکلات اقتصادی خانواده	۱.۲۶	۱.۵۹	۷.۸۶
	S_6	مشکلات اقتصادی و معیشتی	۰.۶۱	۰.۳۷	۶.۱۴

 $P < 0.01^{**}$

بر اساس نتایج جدول، میزان آماره تی گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به اینکه میزان آن از دو بیشتر است این امر حاکی از معناداری هر یک از گویه‌های مزبور می‌باشد.

۴-۱۲. شکل‌های تحلیل عامل تأییدی مشتمل بر بارهای عاملی و میزان خطاها

در نمودار زیر (شکل ۴-۳) شکل‌های تحلیل عامل تأییدی که شامل بارهای عاملی و میزان خطاهای آنها می‌باشد نمایش داده شده است. لازم به ذکر است در نمودار ذیل (S) به معنی سؤال اول این پژوهش است و عددهای کنار آن بیانگر گویه مربوط است؛ همچنین علامت اختصاری (f) به عامل شناسایی شده اشاره دارد؛ به این ترتیب که (f1) عامل اول، (f2) عامل دوم، (f3) عامل سوم و (f4) عامل چهارم است.



شکل (۲): بارهای عاملی و میزان خطاهای گویه‌های عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی

۱۲-۵. میزان اعتمادپذیری عوامل

پس از تأیید عوامل یاد شده میزان اعتمادپذیری هر عامل نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شده که در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول (۴): میزان اعتمادپذیری عوامل برون‌سازمانی مؤثر در بروز خودکشی بر اساس مقدار

آلفای کرونباخ

عوامل	ویژگیهای خانوادگی	ویژگیهای فردی عرضی	ویژگیهای فردی ذاتی	مسائل اقتصادی	کل پرسشنامه
آلفای کرونباخ	۰/۸۰۴	۰/۸۱۳	۰/۷۰۶	۰/۸۱۷	۰/۸۶۱

با توجه به میزان مطلوب گزارش شده برای آلفای کرونباخ، که بین ۰/۷۰۶ تا ۰/۸۱۷ بود، حاکی است که همگونی درونی داده‌ها در حد عالی است به طوری که این میزان برای کل پرسشنامه ۰/۸۶۱ گزارش شده است.

۱۲-۶. ارزیابی تأثیرگذاری عوامل برون‌سازمانی شناسایی شده بر بروز خودکشی

میانگین‌های هر عامل به عنوان میزان اهمیت آنها از نظر فرماندهان ارائه شده است.

جدول (۵): میانگین و انحراف استاندارد عوامل برون‌سازمانی مؤثر در بروز خودکشی

عوامل	میانگین	انحراف استاندارد
ویژگیهای خانوادگی	۲.۵۵	۱.۰۵
ویژگیهای فردی عرضی	۲.۸۵	۰.۹۹
ویژگیهای فردی ذاتی	۲.۰۱	۰.۵۵
مسائل اقتصادی	۲.۳۹	۰.۸۴

با توجه به میانگین‌های گزارش شده می‌توان اذعان کرد که ویژگیهای فردی با میانگین ۲/۸۵ بیشترین تأثیر را در بروز خودکشی و کمترین مربوط به ویژگیهای فردی ذاتی با میانگین ۲/۰۱ گزارش شده است.

۱۲-۷. تأثیرگذاری هر یک از گویه‌های عامل ویژگیهای فردی عرضی در جدول ذیل

میزان اهمیت و درجه تأثیرگذاری هر یک از گویه‌های عامل ویژگیهای فردی عرضی به ترتیب بیشترین اثرگذاری نشان داده شده است:

جدول (۶): ارزیابی تأثیر گویه‌های مهمترین عامل (ویژگیهای فردی عرضی) مؤثر در خودکشی کارکنان وظیفه

شماره	گویه	بار عاملی	ضریب تعیین	آماره** t
S_۱۲	حس کنجکاوی و ماجراجویی نسبت به اسلحه	۰.۷۹	۰.۶۲	۱۲.۶۲
S_۱۴	تحت تأثیر قراردادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت	۰.۷۲	۰.۵۲	۱۱.۲۴
S_۱۵	گریز موقت از مشکلات	۰.۷۱	۰.۵۰	۱۱.۰۱
S_۱۶	موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی	۰.۶۱	۰.۳۸	۹.۱۵
S_۱۳	فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف	۰.۶۰	۰.۳۶	۸.۷۹
S_۱۷	دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۱۵
S_۱۹	ناز پروردگی و آماده نبودن برای تحمل سختی‌های زندگی و خدمتی	۰.۵۱	۰.۲۶	۷.۳۱
S_۱۰	آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازاتهای کیفی	۰.۵۰	۰.۲۵	۷.۰۲
S_۹	حسادت، غرور، تنبلی، پشیمانی، نشان دادن قدرت اراده، جلب ترحم دیگران و خودخواهی	۰.۵۰	۰.۲۵	۷.۲۲

مطابق جدول از میان گویه‌های ویژگیهای فردی عرضی، که در مجموع سایر عوامل تأثیر بیشتری بر بروز خودکشی دارد، گویه "حس کنجکاوی و ماجراجویی نسبت به اسلحه" با بار عاملی ۰.۷۹ بیشترین تأثیر را بر وقوع خودکشی دارد. گویه "تحت تأثیر قراردادن فرماندهان برای کسب هر نوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت" با بار عاملی ۰.۷۲ از نظر اثرگذاری در بروز خودکشی در رتبه دوم قرار دارد. بر اساس نظر پاسخ دهندگان، گویه "گریز موقت از مشکلات" با بار عاملی ۰.۷۱ در رتبه سوم اثرگذاری قرار دارد. هم‌چنین گویه "موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی" با بار عاملی ۰.۶۱ در رتبه چهارم اثرگذاری قرار دارد. گویه "فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف" با ۰.۶۰ بار عاملی در رتبه پنجم تأثیرگذاری قرار دارد.

۱۳. نتیجه‌گیری

حسب نتایج این پژوهش چهار عامل ویژگیهای خانوادگی، ویژگیهای فردی عرضی، ویژگیهای فردی ذاتی و مسایل اقتصادی به عنوان عوامل برون سازمانی مؤثر در بروز خودکشی سربازان مورد شناسایی قرار گرفت. از میان عوامل برون سازمانی مؤثر بر خودکشی سربازان، عامل ویژگیهای فردی عرضی بیشترین تأثیرگذاری را نشان می‌دهد توضیح اینکه بر اساس

یافته‌های پژوهش متغیرهای ویژگی‌های فردی عرضی با میانگین ۲/۸۵ بیشترین تأثیر را در بروز خودکشی و کمترین تأثیر مربوط به متغیرهای ویژگی‌های فردی ذاتی با میانگین ۲/۰۱ گزارش شده است. همچنین مشخص شد که در میان متغیرهای ویژگی‌های فردی عرضی نیز تأثیرگذاری برخی بیشتر از سایر متغیرها است به این ترتیب که:

از میان متغیرهای ویژگی‌های فردی عرضی، که در مجموع سایر عوامل تأثیر بیشتری بر بروز خودکشی دارند متغیر "حس کنجکاوی و ماجراجویی نسبت به اسلحه" با بار عاملی ۰.۷۹ بیشترین تأثیر را بر وقوع خودکشی دارد. متغیر "تحت تأثیر قراردادن فرماندهان برای کسب هرنوع امتیاز مانند معافیت یا کسر خدمت" با بار عاملی ۰.۷۲ از نظر اثرگذاری در بروز خودکشی در رتبه دوم قرار دارد. بر اساس نظر پاسخ دهندگان متغیر "گریز موقت از مشکلات" با بار عاملی ۰.۷۱ در رتبه سوم اثرگذاری قرار دارد. همچنین متغیر "موفق نشدن در گرفتن معافیت از خدمت سربازی" با بار عاملی ۰.۶۱ در رتبه چهارم اثرگذاری قرار دارد. متغیر "فرار و طفره رفتن از خدمت سربازی یا سایر وظایف" با ۰.۶۰ بار عاملی در رتبه پنجم تأثیرگذاری قرار دارد.

متغیر "دوری از خانواده، دوستان و شهر و دیار" و متغیر "نازپروردگی و آماده نبودن برای تحمل سختی‌های زندگی و خدمتی" با بار عاملی ۰.۵۱ با میزان مشابه اثرگذاری در رتبه ششم اثرگذاری قرار دارند. بر همین اساس متغیر "آگاه نبودن از نتیجه تعقیب و مجازات‌های کیفری" و متغیر "حسادت، غرور، تنبلی، پشیمانی، نشان دادن قدرت اراده، جلب ترحم دیگران و خودخواهی" با بار عاملی ۰.۵۰ و میزان مشابه اثرگذاری در رتبه هفتم اثرگذاری قرار دارد.

۱۴. پیشنهادها

- خودداری از گم‌کردن افرادی که مشکلات حاد روانی، خانوادگی و عاطفی دارند در پستهای نگرهبانی و پرهیز از در اختیار قرار دادن سلاح گرم به این افراد.
- به کار نگرفتن سربازان در مشاغلی که موجب تحقیر و کاهش عزت نفس آنها می‌شود.
- تلاش به منظور برقراری ارتباط عاطفی و دلسوزانه با سربازان به منظور آگاهی از مشکلات آنها و ارائه مشورت‌های لازم به آنها

- توجه و اهتمام فرماندهان و مدیران نسبت به وضعیت روحی و روانی سربازان و پرهیز از تحقیر و تمسخر سربازان بویژه در میان سایر هم خدمتی‌ها

فهرست منابع

- اسلامی نسب، علی (۱۳۷۱). بحران خودکشی، تهران: انتشارات فردوس.
- اشنایدمن، ادوین (۱۳۸۷). روان‌شناسی خودکشی: ذهن خودکشی‌گرا، ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: انتشارات رسا.
- امامی، محمد جعفر؛ آشتیانی، محمدرضا (۱۳۷۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه، چ دهم، ج دوم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- التلاویلا، انویکو (۱۳۸۴). روانشناسی قضایی، ترجمه مهدی کی نیا، ج اول، چ دوم، تهران: انتشارات مجد.
- بستانی، محمود (۱۳۸۸). اسلام و روانشناسی، ترجمه محمود هه‌ویشم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۰). بررسی‌هایی در آسیب شناسی اجتماعی ایران، تهران: سازمان بهزیستی کشور.
- سید احمدیان، رضا؛ باخدا، قاسم (۱۳۹۳). پیشگیری از خود زنی منجر به جرح و فوت، تهران: بازرسی کل ناجا.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳). آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- فولادی، عزت الله (۱۳۸۱). استراتژی‌ها و برنامه‌های پیشگیری از خودکشی، تهران: نشر نجم اندیش.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۴). مبانی جرم‌شناسی، چ هفتم، دوره ۳ جلدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۵). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهیه و تنظیم: رزیتا دارویی، نیمسال اول تحصیلی ۷۴-۷۵.
- نوربخش، جواد؛ معنوی، عزالدین (۱۳۵۶). خودکشی در بیماران روانی، مجله دانشمند، س پنزدهم، ش ۹ و ۱۰.
- نوربها، رضا (۱۳۸۶). زمینه جرم‌شناسی، چ سوم، تهران: کتابخانه گنج دانش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی